اختلاف قرائات در تفسیر تبیان

اول عبارت صاحب وسائل را بخوانم. خیلی جالب است. صاحب وسائل بهعنوان بقیة السلف و بدء الخلف است؛ یه عنوان یک واسطه ای بین این دو زمانی است که ما بحث میکنیم. زمان ما از جناب فیض شروع میشود. فی الجمله تردیدی هم در کلام مجلسی اول هست. شیخ بهائی نه. شیخ بهائی هم در زبدة الاصول و هم در العروه قرائات سبع را میپذیرند[1].ایشان تفسیرالعروه دارند؛ جناب محدث نوری در فصل الخطاب، کلام تفسیر العروه شیخ بهائی را میآورند و در هم میکنند. برای من خیلی عجیب بود. فصل الخطاب را که مرحوم نوری نوشتند شاید ثلث درگیری ایشان با علماء بزرگ شیعه است. خب مگر این جور میشود؟! خیلی عجیب است! خود من تعجب میکردم. مدام مجبور میشوند که در کنند. طبرسی را در کنند. ردهایی هم که اصلاً جور در نمیآید. در مقدمه طبرسی و تبیان هست. آیه میفرماید: «وَلَوْ كانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلافاً كَثِيراً[2]»، شیخ در تبیان و طبرسی در مجمع میفرمایند اختلاف سه جور است. دو اختلاف، بد است که من عند الله ممکن نیست واقع شود. یک اختلاف هم هست که خوب است و حسن کار است و من عند الله هم میتواند باشد؛ یکی از آن وجوه القرائات است. این را شیخ در تبیان میفرمایند.

برای این فرمایش شیخ این مثال به ذهنم میآید: اگر شما بگویید هر کلمهای از کلمات قرآن شاخه گل است، ایشان میگویند اگر آن شاخه گل را بردارید و یک دسته گل زیبا بگذارید، قشنگ تر میشود یا زشت تر میشود؟ اگر دسته گل مناسب آن محل را بگذارید. آیا زشت تر می شود ؟ به این بستگی دارد که در کجا چه جور دستهای را بگذارید. شبیه همین در تفسیر منسوب به امام عسگری است که حضرت فرمودند وقتی یهود با حضرت برخورد کردند دو جور برخورد داشتند؛ هم مسخره کردند و هم تکبر کردند.

جالب این است مرحوم فیض که میگویند قرائت صحیحه یکی است، خودشان علیه خودشان، وقتی به این آیه میرسند همین را میآورند که امام فرمودند: «قالوا قُلُوبُنا غُلْفٌ[3]» و «قالو قلوبنا غُلُف». حضرت هر دو را توضیح میدهند و میگویند «وكلتا القراءتين حق وقد قالوا بهذا وهذا جميعا[4]». ببینید چه دسته گلی میشود! یعنی شما با یک غُلف، کاری میکنید که یک دسته میگذارید. به جای اینکه در موضع غُلف یک شاخه بگذارید، دو شاخه را به هم میبندید و آن جا میگذارید. هم قرائت «غُلف» میشود و هم قرائت «غُلُف». هر دوی آنها هم درست است. امام میفرمایند «حق قالوهما». البته ما بحث ثبوتی آن را مفصل تر انجام دادیم.

---

[1] العروة الوثقي في تفسير سورة الحمد و الرحلة / 85 / [بحث في القراءة] ..... ص : ۸۵؛ ثمّ في هذا المقام بحث يحسن التنبيه عليه، و هو أنّه لا خلاف بين فقهائنا- رضوان الله عليهم- في أنّ كلّما تواتر من القراءات تجوز القراءة به في الصلاة

[2] النساء ۸۲

[3]البقره ۸۸

[4]التفسير الصافي ج۱ ص ۱۵۸

بازبینی #2
ایجاد شده 16 مارس 2024 17:15:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2024 17:28:02 توسط ... .